

سیاست گذاری فرهنگی و توسعه

فاطمه فراهانی

مقدمه

در سال‌های اخیر، واژه‌های فرهنگ و توسعه و توسعه فرهنگی مترادف هم به کار رفته‌اند. گرچه این مفاهیم ریشه‌ای و ارتباط متقابل دارند اما فریک هدف‌های خاصی را دنبال می‌کند. ریشه این امر را باید در تحولات دهه ۵۰ به بعد جستجو کرد. به نظر نمی‌رسد که تلاش منظمی برای تشریح معانی واقعی این واژه‌ها صورت گرفته باشد. این اختلاط معانی خود را مباحث بین‌المللی سرچشمه می‌گیرد که در سال‌های گذشته به «فرهنگ و توسعه»، «توسعه فرهنگی» و «سیاست‌های فرهنگی برای توسعه بی‌اعتنا به تفاوت میان آنها» پرداخته است. به طور کلی، فرهنگ و توسعه به معنای نقش فرهنگ و فرایندهای فرهنگی در نیل به توسعه است. هدف فرهنگ و توسعه «توسعه» است. مناسبات میان فرهنگ و موارد عملی بقا و بهبود شرایط انسان و درش‌هایی است که فرهنگ می‌تواند در تحقق آنها مؤثر باشد. مروریر کلاکتون می‌نویسد: «مفهوم فرهنگ و توسعه» به تعاملات میان «فرهنگ و توسعه» و «توسعه فرهنگی» و تمرکز بر ترویج سیاست‌های فرهنگی مربوط می‌شود و دارای ابعاد گوناگونی است: از آن جمله مناسبات میان عوامل فرهنگی (باورها، سنت‌ها، شیوه‌های زیست

و تأثیر احتمالی آنها بر یکدیگر) این بُعد بحث (که غالباً بعد فرهنگی توسعه نامیده می‌شود) با آگاهی زاین واقعیت آغاز شده است که برنامه‌های توسعه که عوامل و محیط فرهنگی را در نظر قرار ندهند، با شکست مواجه خواهند شد. ابعاد دیگر، حقوق فرهنگی و پذیرش و تصدیق هویت فرهنگی ملت‌ها، باورها و ارزش‌ها - هم به عنوان عوامل قدرتمند تحقق توسعه و هم بعضاً به عنوان موانع توسعه - است. علاوه بر این توسعه و فرهنگ به معنای نقش رسانه‌های سنتی و مردمی در ترویج مشارکت، برقراری ارتباط و توانمندسازی اجتماعات در حال توسعه است، در اینجا مراد، مفهوم "هنر برای توسعه" است.

توسعه فرهنگی بر توسعه فرهنگ‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی تأکید دارد. این واژه مجموعه وسیعی از موضوعات از جمله سیاست فرهنگی، صنایع فرهنگی و توسعه اجتماعی - فرهنگی را شامل می‌شود. هدف توسعه فرهنگی، فرهنگ به عنوان نیروی محرکه جامعه‌شناختی است که بر اثر آن جامعه تحول یافته و تغییر می‌کند. و همچنین بخش قدرتمندی از اقتصاد و فضای حرفه‌ای که ساکنان آن پدیدآورندگان ماهر، هنرمندان و صنعتگران هستند و انتقال‌دهنده میان زیبایی‌شناختی، اندیشه‌ها و ارزش‌ها.

برای تشریح تفاوت فرهنگ و توسعه با توسعه فرهنگی از نظر هدف‌ها، موضوعات و نظام‌های حمایتی می‌توان به تحلیل تطبیقی Tiao Roeha اشاره کرد. (جدول ضمیمه)

توسعه بر فقرزدایی، بهبود وضعیت، سلامت و بهداشت جامعه به عنوان محورهای اصلی تأکید دارد. از این رو فرهنگ و توسعه نیز به همین محورها می‌پردازد. هرچند در بلندمدت، توسعه صرفاً به معنای تضمین بقا برای انسان نیست بلکه داشتن زندگی کیفی است، یا به عبارتی برقراری پیوند و یافتن رابطه میان بقا و فرهنگ است. با وجود این در سال‌های اخیر با گسترش دستور کارهای "فرهنگ و توسعه" و "توسعه فرهنگی" تهارن و همزیستی بیشتری میان این دو اصطلاح مشاهده می‌شود.

عده‌ای بر این باورند که سال‌ها طول خواهد کشید تا بخش توسعه بتواند با گسترش افق خود فرهنگ و توسعه فرهنگی را نیز شامل شود، صرفاً به این دلیل که در جهانی که با فقر و بی‌عدالتی فزاینده روبرو است، فرهنگ و توسعه فرهنگی اولویت به حساب نمی‌آیند.

موضوع سیاست فرهنگی هم صرفاً هنرها، فرآورده‌های فرهنگی و مخاطبان فرهنگ و هنر هنرمندان و دید آنان نسبت به جامعه بشری نیست، بلکه نگرش و تلقی خلاق و وسیع به جامعه انسانی است؛ نه تقویت جامعه فرهنگی، بلکه تقویت جامعه از طریق فرهنگ است. و بالاخره حضور سازنده و مؤثر فرهنگ در نیل به اهداف توسعه انسانی است.

در این مقاله تلاش خواهد شد تا مفهوم سیاست فرهنگی، ریشه‌های تاریخی، هدف‌ها، دیدگاه‌های جدید در مورد سیاست‌های فرهنگی و بالأخره ساختار سیاست‌های فرهنگی به اختصار تشریح شود.

الف: تعریف سیاست فرهنگی

سیاست فرهنگی عبارتست از ارزش‌ها و اصول هادی و ناظر بر اقدامات و امور فرهنگی هر هستی اجتماعی. "اگوستین ژیرار" در کتاب خود با عنوان "توسعه فرهنگی، تجارب و سیاست‌ها" در مورد سیاست فرهنگی می‌نویسد: سیاست فرهنگی مجموعه‌ای از هدف‌های آرمانی، عملی و ابزاری است که گروهی آن را دنبال می‌کنند و قدرتی آن را به کار می‌برد. سیاست‌های فرهنگی را می‌توان در یک اتحادیه تجاری، یک حزب، یک نهضت آموزشی، یک نهاد و یک مؤسسه، یک شهر یا یک حکومت مشاهده کرد. اما صرف نظر از اینکه کارگزار یا عامل آن چه کسی باشد، مستلزم وجود هدف‌های آرمانی (بلندمدت)، هدف‌های عملی (کوتاه مدت و قابل سنجش) و ابزار و وسایل (نیروی انسانی، منابع مالی، قوانین و مقررات) است که در مجموعه کلاً منسجمی تدوین شده باشد.^۱

تعریف سیاست فرهنگی بسته به تعریفی است که از فرهنگ پذیرفته می‌شود. فرهنگ نیز دارای تعاریف متعددی است. این خود از ماهیت پیچیده و غامض مفهوم فرهنگ سرچشمه می‌گیرد. اگر فرهنگ را در مفهوم وسیع آن در نظر بگیریم سیاست فرهنگی نیز به مجموعه وسیعی از اقدامات اطلاق می‌شود که هدف و جهت آنها توسعه حیات فرهنگی است.

۱. Aguctio Girard, cultural development: experiences and pokies 2nd, purio uneco. 1983. pp. 171-172.a

مثلاً یکی از شالوده‌های کلیدی سیاست فرهنگی "حق دسترسی به فرهنگ" است. اعلامیه جهانی حقوق بشر که پس از تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ تصویب شد با تأکید بر حق افراد در مشارکت آزادانه در حیات فرهنگی جامعه، حق دسترسی به فرهنگ را به رسمیت شناخت.

مبنای اندیشهٔ سیاست‌های فرهنگی را باید در منابع گوناگون جستجو کرد؛ از رویه‌های سنتی در جوامع مختلف گرفته تا آرا و نظرات فلاسفه و نظریه‌پردازان، اسناد تاریخی و تفکرات مدینه فاضله‌ای. گرچه در طول تاریخ و در همه اجتماعات بشری این نهادهای حکمرانی، قانونگذاران، حکام و حامیان خصوصی هرها و فرهنگ بودند که تعیین می‌کردند چرا و چگونه از هنرها و امور فرهنگی حمایت کنند و یا درباره زبان و مذهب، پوشش و کردار مناسب جامعه نظر دهند، در نهایت گزینه‌های فرهنگی را مردم تعیین می‌کنند و مردم هستند که نرس‌ها، انتظارات و آمال خود را بیان می‌کنند و ارزش‌های خود را به صورت آداب و رسوم و جشنواره‌ها و آیین‌ها متجلی می‌سازند. شاید بتوان گفت که مفهوم مسئولیت اجتماعی - فرهنگی دولت‌ها یا حکومت‌ها و در واقع مفهوم سیاست فرهنگی به این معنا، پدیده‌ای جدید و مربوط به سال‌های پس از جنگ جهانی دوم است. مفهوم دموکراسی فرهنگی، به‌عنوان نوآوری عمده در عرصه سیاست فرهنگی، از آن زمان به بعد دنبال شده است. اندیشه‌ای که برای کشورهای مختلف، چالش متفاوتی را داشته است. موضوع اصلی برای کشورهای در حال توسعه، نحوه حفظ و توسعه سنت‌های درون‌زای ریشه‌دار و تاریخی و به عبارتی مهم‌ترین منبع تحرک و آمال ملت‌ها و در عین حال اقتباس از رویه‌های مثبت جهان توسعه یافته بود، تا بر استعمار فرهنگی خود غلبه کند. بیشتر این کشورها تلاش می‌کنند تا ضمن غلبه بر استعمار فرهنگی خود از نوستالژی و ایجاد فرهنگ مصنوعی که هیچ تشابهی با شرایط واقعی آنها نداشت پرهیز کنند.

برای کشورهای پیشرفته صنعتی، دموکراسی فرهنگی یعنی اصل بنیادی سیاست فرهنگی چالشی دیگر محسوب می‌شد. برای مثال تدوین کنندگان سیاست‌های فرهنگی در اروپا برای تحقق برنامه دموکراتیزه کردن فرهنگ متعالی، شیوه‌های متفاوتی را به کار گرفتند؛ از

پرداخت پارانه برای بلیط موزه‌ها، کنسرت‌ها و غیره گرفته تا حضور هنرمندان در مدارس و بیمارستان و اجرای برنامه زنده. با وجود این تلاش‌ها درصد کمی از جمعیت یعنی تنها طبقه تحصیل کرده، مرفهین و میانسالان در فعالیت‌های فرهنگی مشارکت می‌کردند. در برابر بی‌نواختی و گاهی ضدیت اکثریت وسیع جمعیت که علاقه‌ای به موضوع فرهنگ نشان نمی‌دادند، اروپاییان مجبور به تجدید نظر در نقش خود شدند و درصدد برآمدند تا با فرهنگ‌های بسیار موجود در اجتماعات خود - و نه صرفاً فرهنگ و هنر متعالی فریختگانی - و جذب بیشتر مردم به مؤسسات فرهنگی و هنری توجه کنند. در این مرحله است که در اروپا دموکراسی فرهنگی عنصر اصلی سیاست فرهنگی می‌شود و یا دست‌کم در فکر تدوین‌کنندگان این نوع سیاست‌ها، جایگاه ویژه‌ای می‌یابد.

ب: روند تحول مفهوم سیاست فرهنگی

به‌طور کلی عصر طلایی سیاست‌های فرهنگی، دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی است. در اوایل دهه ۶۰ م. نیروهای ژئوپولتیکی جدیدی در صحنه جهانی ظاهر شدند؛ عصر استعمار در آفریقا و آسیا خاتمه یافته و کشورهای تازه به استقلال رسیده در پی آن بودند تا برای استقرار خود، بر فرهنگ و هویت فرهنگی تأکید کنند. در واقع وجه مشخصه کشورهای در حال توسعه، در این دوره استعمارزدایی و تقویت هویت‌های فرهنگی سرکوب شده بود که در سال‌های متمادی زیر سلطه قدرت‌های استعماری قرار داشت. در این دهه، مفاهیمی چون پژوهش فرهنگی، اقتصاد فرهنگ، آموزش کارگزاران فرهنگی، برنامه‌ریزی و به‌طور کلی آنچه سیاست فرهنگی نامیده می‌شد مطرح گردید و نقش و مسئولیت دولت‌ها در حوزه فرهنگ مورد تأکید قرار گرفت. تأسیس نهادها یا وزارت‌خانه‌های امور فرهنگی حاصل این تفکر جدید بود. تعدادی از دولت‌ها سیاست‌های فرهنگی خود را تدوین کرده و به‌مورد اجرا گذاردند و یا ساختارهای موجود را تقویت کردند. این خود بر مبنای نوع دولت حاکم در کشورها (دولت سهیل‌گرا، دولت طراح، ...) صورت می‌پذیرفت.

در صحنه بین‌المللی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ م. دوران همکاری‌های بین‌المللی نیز محسوب

می‌شود. در این مورد یونسکو (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد) به عنوان بازوی فرهنگی نظام ملل متحد مهم‌ترین مجمع بحث و بررسی پیرامون سیاست‌های فرهنگی شد. در سال ۱۹۶۶ کنفرانس عمومی یونسکو تدوین برنامه بلندمدت تبادل آرا و تجربیات میان مسئولان توسعه فرهنگی کشورها را ضروری دانست و انتشار رساله‌هایی درباره سیاست فرهنگی کشورهای عضو را آغاز کرد. در میزگرد سال ۱۹۶۷ که از سوی یونسکو و با شرکت ۲۴ کشور در موناکو تشکیل شده بود، سیاست‌های فرهنگی به بحث و بررسی گذاشته شد و متعاقب آن در سال ۱۹۷۰ کنفرانس بین دولتی جنبه‌های مالی، اداری و نهادی سیاست‌های فرهنگی با حضور وزرای فرهنگ ۸۵ کشور در ونیز ایتالیا برگزار شد. این کنفرانس نقطه عطفی در تحول مفاهیم فرهنگی و اندیشه توسعه فرهنگی و همکاری‌های فرهنگی بود. "رنه مامو" - مدیرکل فقید یونسکو - در این کنفرانس می‌گوید: «روزی فراخواهد رسید که گرینش‌های اساسی سیاست‌های توسعه ملی، جنبه فرهنگی داشته باشند، زیرا ویژگی‌ها و ابعاد فرهنگی، تأثیر قانع‌کننده ندارند، بلکه عامل اصلی، ارزش‌ها و داورى آنهاست و فرهنگ خود مجموعه این ارزش‌ها و داورى‌هاست.^۱ او در مورد حق دسترسی به فرهنگ نیز می‌گوید: «اگر هر فرد بر مبنای کرامت خود به عنوان یک انسان، حق دارد در فعالیت‌های فرهنگی و میراث فرهنگی جامعه خویش و یا حتی اجتماعات انسانی دیگر (جامعه بشری) سهیم باشد، بنابراین مقامات دولت‌ها و طبقه دارند تا آنجا که منابع امکان می‌دهد، ابزار و وسایل چنین مشارکتی را فراهم سازند. از این رو هر فرد همان‌طور که حق آموزش و حق کار دارد حق دسترسی به فرهنگ را نیز دارد و این، شالوده و (اولین هدف سیاست فرهنگی است.»^۲

دستاورد عمده کنفرانس ونیز را می‌توان در دو پدیده خلاصه کرد: مشارکت دولت در امور فرهنگی از راه به رسمیت شناختن حق مردم در بهره‌مندی از فرهنگ و فراهم ساختن امکانات لازم برای تحقق آن و ارتباط تنگاتنگ برنامه‌ریزی فرهنگی با برنامه‌ریزی عمومی.

۱. گزارش نهایی کنفرانس بین دولتی جنبه‌های مالی، اداری و نهادی سیاست‌های فرهنگی، یونسکو،

حاصل کنفرانس و نیز برگزاری سلسله کنفرانس‌های منطقه‌ای درباره سیاست‌های فرهنگی و تدوین برنامه‌های در ساله است.

شرکت‌کنندگان در کنفرانس "هلینکی" در سال ۱۹۷۲ درباره سیاست‌های فرهنگی در اروپا، با تأکید بر اینکه سیاست فرهنگی، عامل اساسی توسعه اجتماعی و اقتصادی است، از دیدگاه سستی به فعالیت‌ها و امور فرهنگی انتقاد کردند. هدف اصلی سیاست‌های فرهنگی سستی، آن بود که از طریق آشکال سستی ترویج و اشعه فرهنگ یعنی موزه‌ها، کتابخانه‌ها و سالن‌های تئاتر، فرهنگ در دسترس مردم قرار می‌گیرد. در واقع بر عرضه و افزایش مصرف فرهنگی تأکید می‌شد. در حالی که در کنفرانس هلینکی تأکید شد که سیاست فرهنگی نباید محدود به مصرف فرهنگی باشد بلکه ارزیابی نیازها و انتظارات مردم، آموزش فرهنگی و مشارکت مردم در آن اساسی است. در واقع در این کنفرانس بر ضرورت گذار از مرحله سیاست‌های فرهنگی سستی به سیاست‌های فرهنگی جدید - که اساس آن را مشارکت و سازماندهی تشکیل می‌داد - توافق شد.

در کنفرانس وزیران فرهنگ کشورهای آسیایی که در جاکارتا در سال ۱۹۷۲ برگزار شد اصل "توسعه فرهنگی" به عنوان عامل هویت و تغییر اجتماعی مورد پذیرش قرار گرفت. برخورد کشورهای آسیایی با مسأله توسعه فرهنگی و سیاست فرهنگی با تفکر اروپاییان تفاوت داشت. زیرا کشورهای آسیایی - یعنی مستعمرات سابق، مجبور بودند بین وضعیت و شرایط سیاسی و فرهنگی خود با پیشرفت‌های جدید، تعادل برقرار سازند. استعمارگران تنها به استقرار نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متناسب با نیازهای خود بسنده نکرده، بلکه الگوهای فرهنگی و ارزش‌های خود را نیز به مستعمرات تحمیل کرده بودند. بنابراین بدیهی بود که کشورهای آسیایی بایستی در جستجوی راهی باشند که ضمن جبران عقب‌ماندگی‌ها، میراث و ارزش‌های فرهنگی ربه طور کلی هویت فرهنگی خود را بازیافته و تقویت کنند. پالش‌های کشورهای آسیایی در کشورهای آفریقایی نیز مصداق داشت. در کنفرانس سیاست‌های فرهنگی در آفریقا در "آکرا" غنا، در سال ۱۹۷۵ موضوعاتی چون اهمیت کثرت‌گرایی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

علاوه بر این، در دهه ۱۹۷۰ در عرصه همکاری‌های فرهنگی هم کنوانسیون‌های حفظ میراث فرهنگی تصویب شد. این دهه با برگزاری کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی در مکزیکویتی در سال ۱۹۸۲ خاتمه یافت.

دهه ۸۰ عصر تفاوت‌ها خوانده می‌شود. در برخی کشورها همچون فرانسه، سیاست فرهنگی گسترش یافت. بودجه آن دو برابر شد و به ۱٪ رسید و در برخی دیگر (کشورهای جنوب) بحران‌های اقتصادی و مالی، و سقوط سوسیالیسم بوروکراتیک (شرق) سیاست‌های فرهنگی را با محدودیت‌ها و موانعی روبه‌رو ساخت.

بازتاب این تفاوت‌ها را می‌توان در بحث‌هایی که در جریان کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی در "مکزیکویتی" در سال ۱۹۸۲ مطرح شد، به خوبی ملاحظه کرد. در ۱۸۱ قطعه‌نامه مصوب کنفرانس علاوه بر ارائه تعریف وسیع از فرهنگ که به هنرها و ادبیات و میراث محدود نمی‌شد بلکه باورها، دیدگاهها، نظام‌های ارزشی و شیوه‌های زیست‌جوامع گوناگون را در بر می‌گرفت، جایگاه خاص فرهنگ در جوامع مختلف، تلقی فرهنگ به عنوان نیروی محرک رشد اجتماعی، دسترسی همگانی به فرهنگ و مشارکت مردم در حیات فرهنگی، برقراری آشتی بین مداخلات دولت‌ها در امور فرهنگی با آزادی آفرینش هنری، مورد تأکید قرار گرفت.

در دهه ۹۰ بازیگران جدیدی در عرصه سیاست‌های فرهنگی مطرح شدند. در این زمان هدف، ایجاد تعادلی جدید میان مقامات محلی و مرکزی بود. عدم تمرکز حیات فرهنگی که یکی از عوامل اصلی سیاست‌های فرهنگی برخی دولت‌های دارای ساختار فدرالی بود به تدریج به سایر کشورها گسترش یافت. نقش بخش خصوصی، جنبش‌های اجتماعی، بنیادها و رویه‌های فرهنگی آماتور مطرح شد. برای مثال در جنوب، جنبش‌های محلی غالباً غیررسمی به دلیل ضعف و ناکارآمدی رویه‌های فرهنگی رسمی، نقش فزاینده‌ای در حیات فرهنگی کسب کردند. در شرق، در اثر بحران پدید آمده در سیاست فرهنگی دولتی، بنیادها و انجمن‌های فرهنگی رونق یافتند. و در کشورهای صنعتی، رویه‌های فرهنگی و هنری آماتور رویه گسترش گذاشت و بافت فرهنگی غنی را به وجود آورد. این پدیده در اروپا و آمریکای

شمالی و به ویژه در ژاپن بسیار چشم‌گیر بود.

سیاست‌های فرهنگی به رغم تنوع خود وجوه مشترکی نیز داشتند. از جمله نازل بودن سطح بودجه پیش‌بینی شده برای نوآوری‌ها، عدم هماهنگی با سیاست‌های آموزشی و برنامه‌ریزی شهری، طراحی و آفرینش صنعتی و سیاست‌های اجتماعی. سیاست‌های فرهنگی در شمال، جنوب و شرق در دهه ۹۰ به دلیل رکود اقتصادی با مشکل تأمین منابع مالی روبه‌رو بود. همانند سیاست‌های زیست‌محیطی، سیاست‌های مربوط به زنان قربانی کاهش بودجه شد. علاوه بر این به نظر می‌رسید که سیاست‌های فرهنگی از نظر کاهش نابرابری‌های فرهنگی نیز ناتوان است و علاوه بر این به ایجاد دو فرهنگ، یکی فعال و دیگری منفعل و مصرف‌کننده فعالیت‌های فرهنگی نازل می‌انجامد.

در سال ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دهه جهانی توسعه فرهنگی را (۱۹۸۸-۱۹۹۷) اعلام کرد که چهار هدف اساسی داشت: توجه به ابعاد فرهنگی توسعه؛ تأکید بر تقویت هویت‌های فرهنگی؛ تشویق مشارکت در حیات فرهنگی؛ ترویج همکاری‌های بین‌المللی. حاصل ارزیابی میان مدت دهه تأسیس کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه و تدوین گزارش "تنوع خلاق"^۱ ماست.

به‌طور کلی دهه ۹۰ دهه تغییرات و چرخش‌های عمده و سریع در جهان، خانه جهان دو قطبی و ظهور نظام چندقطبی با پیچیدگی‌ها و مشکلات فراران است. نیروهای پنهان و سرکوب شده سابق با دعاوی فرهنگی و ملی در صحنه پدیدار شدند و همگی بر اهمیت فرهنگ در روابط بین‌المللی و توجه به آمال ملت‌ها تأکید داشتند. رشد فزاینده جمعیت جهان، شهرنشینی مهارگسسته، تخریب زیست‌محیطی، انزوا و حاشیه‌نشینی، طرد و محرومیت اجتماعی، موج مهاجرت‌های انبوه به دلیل قحطی و جنگ تنها بخشی از خطراتی بودند که جامعه بین‌المللی را به چالش فرا می‌خواندند. این خطرات عموماً از یک عامل سرچشمه می‌گرفتند آن هم ناتوانی جامعه بین‌المللی در ایجاد همبستگی و همزیستی برای تضمین آینده. در این مرحله بود که توجه به فرهنگ و بازنگری در نقش و کارکرد سیاست‌های فرهنگی

۱. کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه: شرح خلاق ما، یونسکو، ۱۹۹۸.

نقش دولت‌ها مطرح شد. مسأله اساسی ضرورت بود یا نبود سیاست‌های فرهنگی مدون یعنی دلمشغولی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ دولت‌ها نبود. بلکه کاربرد و اعمال این سیاست‌ها در حیات روزمره ملت‌ها و در ساختار نهادهای بین‌المللی بود. در فصل نهم گزارش کمیسیون جهانی فرهنگ ر توسعه آمده است: هنگامی که می‌پذیریم که فرهنگ بُعد بنیادی توسعه است، بنابراین مفهوم و دامنه سیاست‌های فرهنگی نیز می‌بایستی گسترش یابد و هر نوع سیاست توسعه‌ای باید از فرهنگ الهام گیرد. تعریف و به‌کارگیری چنین سیاستی به معنای یافتن عوامل انسجام و همبستگی جوامع چندقومی، استفاده بهینه از واقعیات و فرصت‌های کثرت‌گرایی، ترویج آفرینش در سیاست‌ها، در فناوری‌ها، در صنایع، در تجارت، در آموزش و توسعه اجتماعی و در هنرهاست. مستلزم دسترسی همگانی به رسانه‌ها، کاهش شکاف بین دارندگان اطلاعات و محرومین از آنهاست. به منزله پذیرش نسایب بین زنان و مردان و در نظر گرفتن نیاز و علایق زنان، توزیع عادلانه‌تر منابع، تضمین جایگاه واقعی جوانان و کودکان به عنوان سازندگان فرهنگ آینده، تجدید نظر در مفهوم میراث فرهنگی و بالاخره بازنگری و تحفیق است.^۱ کمیسیون معتقد بود که بر اساس نگرش‌های جدید نسبت به ارتباط بین فرهنگ با توسعه، توسعه فرهنگی باید در سیاست‌های فرهنگی بازنگری شود.

ج: کنفرانس بین‌دولتی سیاست‌های فرهنگی برای توسعه
در سال ۱۹۹۸ و در آستانه‌ترین بیست و یکم و هزاره سوم کنفرانس بین‌دولتی سیاست‌های فرهنگی برای توسعه در "استکهلم" سوئد با دو هدف اساسی زیر برگزار شد:

الف - تشویق دولت‌ها و جامعه بین‌المللی به گنجاندن سیاست‌های فرهنگی در راهبردهای توسعه انسانی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی

ب - تقویت نقش و مشارکت یونسکو در تدوین سیاست‌های فرهنگی و ترویج همکاری‌های بین‌المللی فرهنگی.

کنفرانس دو محور اصلی داشت یکی چالش‌های تنوع فرهنگی یعنی "تعهد به

کثرت‌گرایی " حقوق فرهنگی، فرهنگی کودکان و نوجوانان، آفرینش فرهنگی و میراث فرهنگی و دیگری چالش‌های بازنگری در سیاست فرهنگی یعنی پژوهش‌ها، جذب منابع مالی برای فعالیت‌های فرهنگی، همکاری‌های بین‌المللی در زمینه سیاست فرهنگی، رسانه‌ها، فرهنگ و فناوری‌های رسانه‌ای جدید. کنفرانس استکهلم موضوعات کلیدی سیاست فرهنگی جهان امروز را منعکس ساخت. از آن جمله تأکید بر گسترش دامنه سیاست‌های فرهنگی به گونه‌ای که می‌تواند مفهوم گسترده فرهنگ را شامل شود.^۱ ابراز نگرانی از روند فزاینده جهانی‌سازی فرهنگ؛ تأکید بر اینکه توسعه پایدار بدون توجه به سنت‌های فرهنگی متنوع تحقق نیافتنی است؛ توجه به حفظ و اشاعه تنوع فرهنگی یا آنتی‌تزی جهانی‌سازی فرهنگ؛ آزادی فرهنگی؛ نقش دولت‌ها و موضوع کاهش هزینه‌های فرهنگی و خصوصی‌سازی بخش‌هایی از جامعه که بیش از این در قلمروی عمومی قرار داشتند که در زمینه فرهنگ می‌تواند به بحران منجر شود.

برنامه عمل مصوب کنفرانس استکهلم سند مهمی برای آغاز مطالعات بیشتر بود در حوزه سیاست‌های فرهنگی است.

برنامه عمل کنفرانس بین‌دولتی سیاست‌های فرهنگی برای توسعه

مقدمه

کنفرانس بین‌دولتی سیاست‌های فرهنگی برای توسعه که در تاریخ ۳۰ مارس تا ۲ آوریل ۱۹۹۸ در استکهلم پایتخت سوئد برگزار شد:

۱- با تأکید مجدد بر اصول بنیادی اعلامیه نهایی کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی، مکزیکوسینی (اوت ۱۹۸۲) با عنوان «اعلامیه مکزیکوسینی در زمینه سیاست‌های فرهنگی» که فرهنگ را مجموعه‌ای از خصوصیات معنوی، مادی، فکری و عاطفی می‌داند که یک

۱. فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های متمایز معنوی، مادی، فکری و عاطفی که وجه مشخصه یک جامعه یا گروه اجتماعی است، به هنر و ادبیات محدود نمی‌شود، بلکه شامل شیوه‌های زیست، حقوق اساسی انسان‌ها نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورهاست.

جامعه یا گروه اجتماعی را از جوامع و گروه‌های اجتماعی دیگر متمایز می‌سازد و به هنرها و ادبیات محدود نمی‌شود، بلکه در برگیرنده شیوه‌های زیست، حقوق بنیادی انسان، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها است.

۱- با اشاره به اهداف دهه جهانی توسعه فرهنگی، یعنی اهمیت توجه به بُعد فرهنگی توسعه: تأکید و تقویت هویت‌های فرهنگی؛ گسترش مشارکت در حیات فرهنگی و ترویج همکاری بین‌المللی فرهنگی؛

۲- با آگاهی از ضرورت تلاش برای رویارویی با چالش‌های توسعه فرهنگی و حفظ تنوع فرهنگی به گونه‌ای که در گزارش کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه با عنوان «تنوع خلاق ما»، آمده است؛

۳- با تأکید بر ضرورت توجه به ارزش‌های جهانی و تصدیق تنوع فرهنگی و اهمیت پیش‌بینی تدابیر ملی برای هماهنگ ساختن سیاست‌های فرهنگی و ضرورت حفظ کثرت‌گرایی در اندامات فرهنگی عامه مردم به منظور ترویج تفاهم متقابل و رعایت احترام و شأن افراد و ملت‌ها به خاطر پرهیز از بروز اختلافات و منازعات؛

۴- با تصدیق به اینکه در فضای دموکراتیک، فرهنگ در جامعه مدنی به تدریج اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛

۵- با اذعان به اینکه از جمله کارکردهای سیاست‌های فرهنگی تفصیل فضای کافی برای شکوفایی توانایی‌ها و استعداد‌های خلاق است؛

۶- با اشاره به دگرگونی‌های سریع فرایندهای اجتماعی - اقتصادی، تغییرات فناوری و فرهنگی و شکاف‌ها و تفاوت‌های فزاینده در سطح ملی و بین‌المللی و اهمیت محترم شمردن حق مؤلف و حق مالکیت فکری در برابر خطرات و چالش‌های ناشی از گسترش صنایع فرهنگی و تجارت فرآورده‌های فرهنگی؛

۷- با تأکید بر اینکه نقش عوامل فرهنگی باید در فعالیت‌های یونسکو و در سیاست‌های توسعه کشورهای عضو مد نظر قرار گیرد؛

۸- با اشاره به اعلامیه کنفرانس وزرای فرهنگ کشورهای عضو جنبش غیر متعهدها در

"مدلین" کلمبیا (۵-۳ سپتامبر ۱۹۹۷) و نتایج اجلاس مشورتی اتحادیه آفریقا در زمینه سیاست‌های فرهنگی (لومه، نوگرو، ۱۳-۱۰ فوریه ۱۹۹۸) و اجلاس "آیکو" در تونس (فوریه ۱۹۹۸)، گزارش شورای اروپا با عنوان «از حاشیه به مرکز» و منشور پروکولتورا (Pro-Cultura) مصوب اجلاس "تالونیکي" (ژوئن ۱۹۹۷)؛

اصول زیر را تصدیق می‌کند:

۱- توسعه پایدار و شکوفایی فرهنگ از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند.

۲- رشد و کمال فرهنگی و اجتماعی فردی یکی از اهداف اصلی توسعه انسانی است.

۳- دسترسی و مشارکت در حیات فرهنگی از جمله حقوق اساسی افراد در کلیه جوامع محسوب می‌شود و دولت‌ها وظیفه دارند تا شرایط لازم را برای اجرای کامل این حقوق طبق ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر فراهم سازند.

۴- هدف اصلی سیاست‌های فرهنگی تعیین اهداف، ایجاد ساختارها و تأمین منابع کافی برای به وجود آوردن فضای مناسب برای شکوفایی انسان است.

۵- گفتگوی بین فرهنگها، یکی از چالش‌های فرهنگی و سیاسی بنیادی عصر حاضر و شرط اصلی همزیستی سالم‌آمیز است.

۶- آفرینش فرهنگی منشأ رشد انسان و تنوع فرهنگی - به عنوان سرمایه بشری - عامل اصلی توسعه است.

۷- روندهای جدید و به خصوص جهانی‌گرایی، فرهنگها را بیش از پیش به یکدیگر پیوند می‌دهد و مناسبات بین آنها را غنا می‌بخشد، اما می‌تواند برای تنوع خلاق و کثرت‌گرایی فرهنگی زبان آور نیز باشد. بنابراین احترام متقابل بین فرهنگها ضروری است.

۸- هماوایی بین فرهنگ و توسعه، احترام به هویت‌های فرهنگی و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی در بستری از ارزش‌های متنوع دموکراتیک، برابری اجتماعی و اقتصادی و احترام به وحدت سرزمینی و حاکمیت ملی شرایط اصلی صلح پایدار محسوب می‌شوند.

۹- پذیرش تنوع فرهنگی در شناسایی و تحکیم علقه‌ها و پیوندهای میان اجتماعات مؤثر است، علقه‌هایی که ریشه آنها را می‌توان در ارزش‌های مشترک میان عناصر اجتماعی -

فرهنگی متفاوت، یک جامعه ملی بافت.

۱۰- خلاقیت در جوامع، به آفرینش - که بیش از هر چیز، یک تعهد فردی است - کمک می‌کند. این نهاد برای ساختن میراث آینده حیاتی است. تضمین شرایط لازم برای این آفرینش، یعنی - آزادی همه پدیدآرندگان و نقش آفرینان - و حمایت از آن اهمیت دارد.

۱۱- دفاع از فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای در برابر تهدیدات فرهنگی که بُرد جهانی دارند نباید باعث شود تا فرهنگ‌های تحت تأثیر قرار گرفته کنونی به مرده‌ریگ‌های فاند توان و قدرت توسعه مبدل شوند.

۱۲- بنابراین لازم است شرایطی به وجود آید تا همه افراد و جوامع بتوانند قدرت خلاقیت خود را تقویت کرده و مزیستی بایکدیگر راگسترش دهند و توسعه انسانی اصیل و نیل به یک فرهنگ صلح و عدم توسل به خشونت را تسهیل نمایند.

در نتیجه کنفرانس، بر موارد زیر تأکید می‌کند:

۱- سیاست فرهنگی، به عنوان یکی از اجزای اصلی سیاست توسعه پایدار و درون‌زا، باید با هماهنگی با سایر حوزه‌های اجتماعی و در چارچوب یک نگرش جامع تدوین و اجرا شود. همه سیاست‌های توسعه باید عمیقاً فرهنگ را بد نظر قرار دهند؛

۲- گفتگوی بین فرهنگ‌ها باید هدف اصلی سیاست‌های فرهنگی و نهادهایی باشد که وظیفه و مسئولیت اجرای آنها را در سطح ملی و بین‌المللی بر عهده دارند؛ آزادی بیان جزء لاینفک این رابطه و مشارکت مؤثر در حیات فرهنگی است.

۳- سیاست‌های فرهنگی در قرن آینده باید مشارکتی بوده و بتواند پاسخگوی مشکلات موجود و نیازهای جدید باشد.

۴- مشارکت مؤثر در جامعه اطلاعاتی و دسترسی همگانی به تکنولوژی اطلاع‌رسانی و ارتباطات، بُند مهم سیاست‌های فرهنگی است.

۵- سیاست‌های فرهنگی باید کلیه اشکال خلاقیت را ترویج کند، دسترسی به رویه‌ها و تجارب فرهنگی را برای کلیه شهروندان بدون توجه به ملیت، نژاد، جنسیت، سن، ناتوانی‌های جسمی و ذهنی تسهیل نماید؛ حس هویت فرهنگی و احساس تعلق افراد و اجتماعات را تقویت کند و به

- آنها برای نیل به یک آینده مطمئن و شایسته یاری دهد.
- ۶- هدف سیاست‌های فرهنگی باید ایجاد حسن تعلق به یک ملت در درون یک اجتماع کثرت‌گرا و در چرچوب وحدت ملی باشد. اجتماعی که ریشه در ارزش‌های مشترک میان زنان و مردان دارد و برای همه اعضای خود دسترسی و مشارکت در حیات فرهنگی و ابراز وجود را امکان‌پذیر می‌سازد.
 - ۷- هدف سیاست فرهنگی تحکیم یگانگی اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی کلبه اعضای جامعه بدون تبعیض است.
 - ۸- در سیاست فرهنگی تساوی بین زنان و مردان، حقوق مساوی، آزادی بیان و تضمین دسترسی زنان به مسئولیت‌های تصمیم‌گیری باید محترم شمرده شود.
 - ۹- دولت‌ها باید برای جلب مشارکت بیشتر نهادهای جامعه مدنی در تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی مندرج در راهبردهای توسعه، تلاش کنند.
 - ۱۰- در عصر حاضر که عصر وابستگی متقابل فزاینده است، بازنگری در سیاست‌های فرهنگی باید به طور همزمان در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی صورت گیرد.
 - ۱۱- کشورها باید برای ایجاد جهانی تلاش کنند که در آن ارتباطات بین فرهنگی، اطلاع‌رسانی و تفاهم حاکم بوده و تنوع ارزش‌های فرهنگی، اخلاقیات و رفتارها، فرهنگ صلح واقعی را تقویت کند.
 - ۱۲- هدف سیاست‌های فرهنگی به خصوص باید تشویق و تقویت روش‌ها و ابزارها باشد که دسترسی به فرهنگ را برای کلیه اقشار جمعیت تضمین کرده، با محرومیت و حاشیه‌نمایی مبارزه می‌کند و فرایندهای مناسب برای تحقق دموکراسی فرهنگی را تقویت می‌نماید.
 - ۱۳- در سیاست‌های فرهنگی باید سهم مهم و اساسی نقش آفرینان و پدیدآورندگان در بهبود کیفیت زندگی، ترویج هویت و تقویت توسعه فرهنگی جامعه به رسمیت شناخته شود.
 - ۱۴- کلیه عواملی که در حیات فرهنگی نقش تعیین‌کننده دارند، یعنی آفرینش، حفظ میراث فرهنگی و اشاعه باید در سیاست‌های فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. وجود توازن بین این عوامل برای اجرای مؤثر سیاست‌های فرهنگی ضروری است. اما ترویج، اشاعه و دسترسی به

فرهنگ بدون تضمین قدرت خلاقیت از طریق پذیرش مقررات مؤثر، امکان‌پذیر نیست.

۱- توصیه در مورد اهداف سیاست فرهنگی به دولت‌های عضو کنفرانس بر اساس اصولی که بیان شد اهداف پنج‌گانه زیر را به دولت‌های عضو توصیه می‌کند:

هدف ۱- سیاست فرهنگی به عنوان یکی از عناصر کلیدی راهبرد توسعه
۱- تدوین سیاست‌های فرهنگی و یا بازنگری در سیاست‌های فرهنگی موجود به نحوی که این سیاست‌ها یکی از عناصر کلیدی توسعه پایدار و درون‌زا باشند.

۲- گنجاندن سیاست‌های فرهنگی در سیاست‌های توسعه و به‌خصوص ارتباط آنها با سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی.

۳- همکاری با یونسکو برای تعیین خطوط راهنمای یک دستورکار بین‌المللی پژوهش در زمینه فرهنگ و توسعه.

۴- پذیرش دیدگاه وسیع دربارهٔ سیاست فرهنگی ملی منطبق با واقعیات و شرایط کشورها و اجرای آن و تشریح جامعه مدنی و به‌خصوص رسانه‌ها به مشارکت در آن.

۵- تضمین مشارکت کامل پدیدآورندگان و سازمانهای تخصصی آنها در تحقق این دیدگاه نو.
۶- گسترش و بهبود رویه‌هایی که هماهنگی بین بخشی در سیاست‌های فرهنگی را تشریح می‌کند.

۷- همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه فعالیت‌های فرهنگی برای رویارویی با چالش‌های شهرنشینی، جهانی‌گرایی و تغییرات تکنولوژیکی.

۸- تشویق فعالیت‌هایی که هدفشان افزایش آگاهی مردم و مجامع تصمیم‌گیری نسبت به اهمیت توجه به عوامل فرهنگی در فرایند توسعه پایدار است.

۹- تشویق تبادل و گفتگوی بین افراد، اجتماعات و کشورها بر پایه ارزش‌های مشترک.

۱۰- تلاش برای آنکه بُعد فرهنگی در راهبرد بین‌المللی توسعه گنجانیده شود و همچنین در شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد بحث قرار گیرد. این تلاش در صورت لزوم می‌تواند با همکاری یونسکو انجام شود.

هدف ۲- تشویق خلاقیت و مشارکت در حیات فرهنگی

- ۱- محترم شمردن اقدار مختلف جامعه و دادن امکانات و فرصت‌های برابر به آنها برای توسعه، تأکید بر ابتکارات محلی که خود بازتاب تنوع حوزه‌ها و زمینه‌های فرهنگی است.
- ۲- تضمین توسعه حیات فرهنگی محلی، خلاق و مشارکتی و مدیریت کثرت‌گرایانه حوزه‌های متفاوت با تدوین سیاست‌های فرهنگی شهری و منطقه‌ای.
- ۳- شناخت و درک تنوع فرهنگی و زبانی با تقویت محتوای فرهنگی آموزش رسمی و غیررسمی بخصوص با تشویق فراگیری یک یا چندین زبان دیگر به عنوان زبان دوم.
- ۴- ترویج روابط جدید بین فرهنگ و نظام آموزشی که طبق آن فرهنگ و هنر به عنوان یک بعد اساسی آموزش برای همه تضمین شود؛ آموزش هنر را گسترش دهد و خلاقیت در سطوح مختلف برنامه‌های آموزشی را موجب گردد.
- ۵- ضرورت توجه خاص به اجرای سند‌های بین‌المللی موجود در زمینه حقوق بشر نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، معاهده بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اعلامیه وین در مورد حقوق بشر و تهیه فهرستی از حقوق فرهنگی با بررسی اسناد موجود مربوط به حقوق فرهنگی.
- ۶- گسترش سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های فرهنگی و مؤسسات فرهنگی به منظور تضمین مشارکت کامل و یکسان همه افراد جامعه.
- ۷- توجه بیشتر به نقش فرهنگ در فرایندهای تغییرات اجتماعی.
- ۸- تصدیق موفقیت‌های زنان در زمینه فرهنگ و توسعه و تضمین مشارکت آنان در تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی در کلیه سطوح.
- ۹- بازنگری در کلیه سیاست‌ها و برنامه‌های هنری به نحوی که حقوق کودکان و حقوق سایر گروه‌های آسیب‌پذیر دارای نیازهای آموزشی و فرهنگی خاص محترم شمرده شود و نیازها و آمال جوانان - که رویه‌های فرهنگی جدید به ویژه باید آنها را مورد حمایت قرار دهد - و همچنین بزرگسالان - که غالباً از زندگی فرهنگی کنارگذاشته شده‌اند، مد نظر قرار گیرد.

۱۰- اختصاص منابع مالی لازم برای آموزش، پژوهش فرهنگی و اطلاع‌رسانی که برای تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی ضروری است.

هدف ۳- تقویت سیاست‌ها و رویه‌های مربوط به حفظ و نگاهداری میراث فرهنگی مادی و معنوی و ترویج صنایع فرهنگی

۱- ضرورت تعهد و التزام بیشتر دولت‌های عضو به اجرای مفاد کنوانسیون‌ها و توصیه‌های مربوط به حفظ میراث مادی معنوی، حفظ فرهنگ سنتی و بردمی، جایگاه هنرمندان و سایر موارد مرتبط با آن.

۲- افزایش کارایی بخش فرهنگ با اجرای برنامه‌های آموزشی برای کارگزاران و مدیران فرهنگی و ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان.

۳- تجدید نظر در مفهوم سنتی میراث - و توجه به آن به عنوان مجموعه عناصر فرهنگی و طبیعی، مادی و معنوی که از گذشته به جا مانده و یا در عصر حاضر خلق شده است. از طریق این عناصر گروه‌های اجتماعی هویت خود را بیان می‌کنند و انتقال آن به نسل‌های آینده را به گونه‌ای بهتر و غنی‌تر متعهد می‌شوند.

۴- پذیرش مقولات جدید در حوزه میراث فرهنگی نظیر چشم‌اندازهای فرهنگی، میراث صنعتی و جهانگردی فرهنگی.

۵- گسترش مطالعه، فهرست‌برداری، ثبت و طبقه‌بندی میراث به منظور تدوین ابزارهای مناسب و مفید برای اجرای سیاست‌های علمی و سنتی حفظ میراث.

۶- تشویق استرداد اموال فرهنگی به کشورهای مبدأ با استفاده از کلیه ابزارهای قانونی و سیاسی ممکن.

۷- گنجاندن بناها، محوطه‌ها، مجموعه‌ها و چشم‌اندازهای دارای ارزش فرهنگی در طرحها، سیاست‌ها و در برنامه‌های توسعه شهری و منطقه‌ای و تضمین حفاظت از آنها.

۸- تشویق مشارکت مستقیم شهروندان و اجتماعات محلی در برنامه‌های حفظ میراث و تهیه فهرستی از بهترین رویه‌ها برای گنجاندن در سیاست‌های حفظ میراث.

- ۹- تضمین اینکه جهانگردی، فرهنگ‌ها و محیط زیست را محترم شمرده و بخش مناسبی از درآمد حاصل از جهانگردی به حفظ میراث و تقویت توسعه فرهنگی اختصاص یابد.
- ۱۰- اولویت دادن به ایجاد شبکه‌ای از هنرمندان و مدیران طرحها و تسهیلات فرهنگی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به منظور بهبود امکان دسترسی کمی و کیفی به فرهنگ.
- ۱۱- کمک به هنرمندان، طراحان و صنعتگران و تضمین و حفظ حقوق آفرینندگان در بازارهای محلی و جهانی و حمایت از آنها در برابر سوءاستفاده‌های تجارتنی.
- ۱۲- ترویج این فکر که کالاها و خدمات فرهنگی نباید به هیچ‌وجه در رده سایر کالاهای تجاری قرار گیرد.
- ۱۳- گسترش همکاری بین دولت، بخش تجاری و سایر سازمان‌های جامعه مدنی در زمینه فرهنگ با ایجاد چارچوب‌های قانونی مناسب.

هدف ۴- ترویج تنوع فرهنگی و زیبایی در جامعه اطلاعاتی

- ۱- ایجاد شبکه‌های ارتباطی، از جمله رادیو، تلویزیون و فناوری‌های اطلاع‌رسانی که قادر به برآوردن نیازهای فرهنگی و آموزشی عموم باشد؛ تشویق رادیو تلویزیون، مطبوعات و سایر رسانه‌ها به پذیرش تعهد و مسئولیت بیشتر در قبال مسائل مربوط به توسعه فرهنگی نظیر ترویج فرهنگها و زبانهای محلی، ملی و منطقه‌ای، کشف و حفظ میراث ملی و ترویج تنوع سنت‌های فرهنگی و میراث‌های فرهنگی ملی و بومی، ضمن تضمین استقلال رسانه‌های عمومی.
- ۲- ایجاد شبکه‌های رادیو و تلویزیونی بخصوص در سطح محلی به منظور ترویج صلح و عدم توسل به خشونت و پیش‌بینی فضای لازم برای آنکه گروه‌های محلی، زبانی و اقلیت‌ها به رسانه‌های عمومی دسترسی داشته باشند.
- ۳- تلاش و یا تقویت تلاش‌های ملی که کثرت‌گرایی در رسانه‌ها و آزادی بیان را تشویق می‌کند.
- ۴- اتخاذ اقدامات لازم برای تشویق آموزش و بخصوص آموزش کودکان برای استفاده از

تکنولوژی‌های رسانه‌ی جدید و برای مبارزه با خشونت و تعصب از طریق مشارکت در فعالیت‌های مراکز یا مؤسسات تخصصی در امر اطلاع‌رسانی درباره کودکان و خشونت در پرده سینما یا تلویزیون.

۵- گسترش و استفاده از تکنولوژی‌ها و خدمات ارتباطی و اطلاع‌رسانی جدید و تأکید بر اهمیت دسترسی به بزرگراه‌های اطلاعاتی به قیمت قابل قبول و استفاده یکسان از زبان‌ها و تشویق استفاده از فناوری‌های جدید در خدمات عمومی.

۶- تشویق آموزشی که بر استفاده ماهرانه و خلاق از فناوری‌های اطلاع‌رسانی جدید بین نسل جوان - این استفاده کنندگان و تولیدکنندگان پیامها و محتوا - و اولویت دادن به آموزش ارزش‌های مدنی و فناوری‌های جدید به مریان تأکید دارد.

۷- تدوین سیاست‌های حفظ آرشیوها، موزه‌ها، کتابخانه و سایر اطلاعاتی که توسط مؤسسات دولتی یا غیردولتی تهیه و یا گردآوری شده است. در صورت امکان با استفاده از روش‌های رایانه‌ای و ایجاد سازرکارهایی برای تسهیل دسترسی به آنها و از جمله تشویق و گسترش نهادهایی که به عنوان مراکز اطلاع‌رسانی، آموزشی و یادگیری مادام‌العمر فعالیت دارند.

۸- شناخت بهتر میراث فرهنگی و طبیعی با استفاده از فناوری‌های جدید.

۹- تصدیق اهمیت فناوری‌های رسانه‌ای جدید در زمینه هنر و پدیدآورندگان آثار هنری و همچنین نقش کلیدی خلاقیت هنری در استقرار جامعه اطلاعاتی.

۱۰- همکاری در زمینه رسانه‌های دیداری - شنیداری به خصوص در زمینه آموزش، گسترش و توزیع فرآورده‌های دیداری - شنیداری.

۱۱- تشویق همکاری فرهنگی به خصوص از طریق طرح‌های مشترک در زمینه صنایع فرهنگی (در مراحل تولید، سرمایه‌گذاری و انتقال حقوق).

۱۲- تشویق پژوهش در زمینه روابط میان فرهنگ و اشاعه آن در رسانه‌ها و خدمات ارتباطی جدید و حمایت از تلاشهایی که برای هماهنگی و به عبارت دیگر یکسانی روش‌های ارزیابی و سنجش برنامه‌سازی فرهنگی در رسانه‌ها صورت می‌گیرد.

- هدف ۵- تأمین منابع انسانی و مالی بیشتر برای توسعه فرهنگی
- ۱- افزایش سرمایه‌گذاری در توسعه فرهنگی در سطح ملی و در صورت امکان اختصاص درصدی از بودجه دولت به این منظور بر طبق اهداف، ولایت‌ها و طرح جامع توسعه.
 - ۲- دعوت از مقامات محلی برای تضمین منابع مالی بیشتر برای فعالیت‌های فرهنگی و تشویق آنان به تقویت نقشی که در زمینه توسعه فرهنگی دارند.
 - ۳- تدوین چارچوب‌های مالیاتی با مالی برای فعالیت‌های فرهنگی به منظور تشویق بخش تجاری به حمایت از توسعه فرهنگی و ایجاد سازوکارهایی مانند یارانه‌ها و وقف‌ها و طرح‌های درآمدزای مؤسسات فرهنگی، جهانگردی و بخش‌های ورزشی.
 - ۴- پیش‌بینی تدابیر لازم برای تضمین آنکه در سیاست‌های دولتی اثر یا اثرات فرایند‌های توسعه فرهنگی سایر کشورها مورد توجه قرار گیرد.
 - ۵- دعوت از مؤسسات مالی و برنامه‌های سازمان ملل متحد به خصوص برنامه عمران سازمان ملل متحد، نهادهای مالی تخصصی و مجامع مالی منطقه‌ای و ملی برای افزایش کمک‌های مالی به طرح‌های توسعه‌ای که بُعد فرهنگی مهمی دارند.
- ۲- توصیه‌های کنفرانس به مدیر کل یونسکو
- کنفرانس به مدیر کل یونسکو موارد زیر را توصیه می‌کند:
- ۱- در تدوین برنامه و بودجه آینده یونسکو، دستور کار کنفرانس بین‌المللی سیاست‌های فرهنگی برای توسعه مد نظر قرار گیرد.
 - ۲- تدوین راهبرد جامع برای پیگیری نتایج کنفرانس، از جمله، امکان‌سنجی برگزاری اجلاس سران در زمینه فرهنگ و توسعه که نتایج آن باید به شورای اجرایی تسلیم شود.
 - ۳- تشویق به ایجاد شبکه‌های پژوهشی و اطلاع‌رسانی در زمینه سیاست‌های فرهنگی برای توسعه، از جمله امکان‌سنجی تأسیس یک مرکز مطالعه سیاست‌های فرهنگی.
 - ۴- تسلیم دستور کار کنفرانس به دبیر کل سازمان ملل متحد و از طریق وی به مجمع عمومی

سازمان با هدف ارائه گزارشی از نتایج کفرانس به پنجاه و سومین اجلاس مجمع عمومی منطبق با قطعنامه ۱۹۷ پنجاه و دومین اجلاس مجمع عمومی.

۵- ابلاغ دستور کار به رؤسای کلیه نهادهای تخصصی وابسته به نظام ملل متحد، سازمان‌های بین دولتی (منطقه‌ای یا جهانی) به منظور آنکه اهداف سیاسی - فرهنگی پس از موافقت با کشور‌های عضو در کلیه برنامه‌ها و فعالیت‌های توسعه آنها گنجانیده شود.

۶- پیگیری مسأله گنجانیدن چشم‌انداز فرهنگی در راهبرد بین‌المللی توسعه آینده سازمان ملل متحد و دعوت از مؤسسات تخصصی برای آنکه از منظر فرهنگی به ارزیابی رویه‌ها و سیاست‌های خود پردازند.

۷- تهیه مجموعه‌ای از طرح‌هایی که مطالعه، تبادل تجربیات و توسعه طرح‌های مشترک را تشویق می‌کنند و گسترش طرح‌هایی که هدفشان ترویج سیاست‌های فرهنگی با در نظر گرفتن توسعه انسانی پایدار است و پیشنهاد آن به شورای اجرایی.

۸- پیشنهاد به دبیر کل سازمان ملل متحد برای آنکه یک سال از دهه فقرزدایی (۲۰۰۶-۱۹۹۷) را به ارتباط بین توسعه، فرهنگ و فقرزدایی اختصاص دهد.

۹- یونسکو بر اساس نتایج کفرانس سران در مورد زمین، کفرانس سران (۵) و کفرانس جهانی مسکن (۲) باید سازوکارهایی را ایجاد کند که نقش حیاتی میراث فرهنگی را در حفظ محیط زیست عامل مهمی برای توسعه پایدار بدانند.

۱۰- تشویق دولت‌های عضو به ارائه راهبردهای فرهنگی‌شان به یونسکو به منظور تبادل اطلاع، نظرات و رویه‌ها.

۱۱- تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها و اختصاص منابع مالی لازم و جلب منابع فزاینده‌ای برای تقویت همکاری فرهنگی چندجانبه و با هدف گسترش امر پژوهش در زمینه همکاری بین‌المللی در چارچوب سیاست‌های فرهنگی.

۱۲- تهیه طرح گسترش همکاری یونسکو با سایر سازمان‌های بین‌المللی.

۱۳- پیگیری انتشار گزارش‌های جهانی فرهنگ یونسکو.

۱۴- تشویق ایجاد یک مرکز مطالعه سیاست‌های زبانی.

کنفرانس استکهلم نقطه عطف و شروع جنبش جدیدی در زمینه سیاست‌های فرهنگی محوری محسوب می‌شود. بسیاری از مصوبات این کنفرانس، خود، موضوع گردهمایی‌های تخصصی متعدد بوده‌اند.

به هر صورت باید پذیرفت که روند شتابان جهانی‌سازی و ابستگی بین‌المللی فزاینده ملت‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی برای فرهنگ و سیاست‌های فرهنگی در جهان به وجود آورده است. این چالش‌ها، زیست محیطی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مفهوم محدود کلمه هستند. بدیهی است که در این دوران، سیاست‌های فرهنگی سستی نمی‌تواند کافی و مناسب باشد.^۱ سیاست‌های فرهنگی جدید باید بخشی از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی باشند، این سیاست‌ها نمی‌تواند به قلمروی ملی محدود شود. بلکه به چشم‌اندازی وسیع نیاز دارد. سیاست فرهنگی یکی از ستون‌های محوری سیاست خارجی است و از آن به عنوان

۱. ساختار کلی سیاست‌های فرهنگی به شرح زیر توصیه شده است:

۱- جهت‌گیری کلی سیاست فرهنگی

۲- ساختارهای نهادی و اداری

۲-۱- نهادهای دولتی و نیمه دولتی

۲-۲- تهریات و مؤسسات

۳- بزار سیاست فرهنگی

۳-۱- منابع مالی فعالیت‌های فرهنگی

۳-۲- مقررات و قوانین

۴- سیاست بخشی

۴-۱- میراث فرهنگی

۴-۲- آموزش فرهنگی

۴-۳- هنرهای نمایشی

۴-۴- هنرهای تجسمی

۴-۵- ادبیات و آثار ادبی

۵- صنایع فرهنگی

۵-۱- کتاب

۵-۲- مطبوعات

۵-۳- برنامه‌های رادیو و تلویزیونی

۵-۴- موسیقی و صنایع صحنی

۵-۵- سینما و صنعت فیلم‌سازی

۶- توسعه فرهنگی

۷- همکاری فرهنگی بین‌المللی

دیپلماسی فرهنگی نام برده می‌شود و بالاخره اینکه فرهنگ، حوزه‌ای وسیع‌تر از قلمرو مسئولیت وزیران فرهنگ است، و محدود به آفرینش هنری و مسائل قوی و بومی نمی‌شود، بلکه ابعاد سیاسی و اجتماعی دارد. تعامل سیاست فرهنگی با سایر سیاست‌ها، نظیر فرهنگ در آموزش، فرهنگ در زندگی شغلی، فرهنگ در برنامه‌ریزی شهری، فرهنگ اقلیت‌ها و مهاجرین، فرهنگ در سیاست‌های صنعتی و تجاری، جنبه‌های فرهنگی برنامه‌ریزی‌ها و بالاخره تجدید نظر در همکاری‌های بین‌المللی باید مورد توجه قرار گیرد.

چهار اولویت اصلی که برای سیاست‌های فرهنگی ارائه شده عبارتند از:

الف: دسترسی هر چه بیشتر مردم به فرهنگ (فرهنگ برای همه) از راه اعتبار بخشیدن به فعالیت‌های فرهنگی افراد و اجتماعات محلی و مشارکت آنها در بیان فرهنگی و هنری فردی یا جمعی و مشارکت کلیه بازیگران اجتماعی (نمایندگان جامعه مدنی، بخش خصوصی، نهادهای دولتی و تشکلهای غیردولتی) در حیات فرهنگی جامعه.

ب: نظارت بر آینده از نظر تحولات فناوری، ارتباطات و صنایع فرهنگی

ج: حفظ محیط زیست و بازیگری در سیاست‌های حفظ و انتقال میراث فرهنگی

د: ترویج آفرینش، خلاقیت و آزادی بیان

حوزه سیاست‌های فرهنگی با دقت‌تر و وسیع‌ترین شدن مفهوم فرهنگ، به نحو چشم‌گیری گسترش یافته است. موضوع دموکراسی فرهنگی، حقوق فرهنگی، حفظ و ترویج و محترم شمردن تنوع فرهنگی از محورهای اصلی سیاست‌های فرهنگی جدید را تشکیل می‌دهند. توجه به سیاست‌های فرهنگی به هدف مهم بسیاری از نهادهای بین‌دولتی تبدیل شده است. علاوه بر یونسکو، شورای اروپا، سازمان وحدت آفریقا، آسیکو، کشورهای عضو آسه‌آن، و آژانس همکاری فنی و فرهنگی نیز به عنوان بخشی از برنامه‌های خود به سیاست‌های فرهنگی پرداخته‌اند.

یکی از اقدامات مهم گنج‌اندین ماده‌ای برای فعالیت‌های فرهنگی در ماده ۱۲۸ پیمان "ماستریخت" (اتحادیه اروپا) است. در این ماده بر بعد فرهنگی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تأکید شده است. دولت کانادا نیز در اعلامیه اخیر خود از

فرهنگ و ارزش‌ها به عنوان یکی از سه عنصر سیاست‌های خارجی خود نام می‌برد. در بسیاری از کشورها ویران فرهنگ بر همکاری بین بخشی تأکید دارند که گامی مهم در ایجاد و تقویت تعامل مثبت میان سیاست‌گذاران بخش‌های مختلف جامعه به شمار می‌رود. تدوین سیاست فرهنگی و اجرای آن بیش از پیش به موضوعی بین وزارت‌خانه‌ای و بین بخشی تبدیل می‌شود. برای مثال وزارت فرهنگ فرانسه هیات یا نهاد توسعه و آموزش را به منظور گسترش همکاری با سایر وزیران تشکیل داده است.

جدول تحلیل تطبیقی

| موضوع | فرهنگ و توسعه | توسعه فرهنگی |
|-------------------|---|---|
| - هدف اصلی | تغییر اجتماعی / رشد | تغییر فرهنگی / رشد |
| - ارتباط با توسعه | - تأثیر فرهنگ بر فرایندهای توسعه - استفاده از اشکال فرهنگی - رسانه‌های سنتی و مردمی به عنوان سازوکارهایی برای توسعه | - ترویج رشد فرهنگی به عنوان جنبه‌ای از توسعه - حفظ و حمایت از توسعه اشکال فرهنگی، سنت‌ها، میراث و زیرساخت‌های فرهنگی |
| - ارتباط با فرهنگ | - رشد فردی و جسمی، آگاه سازی، آموزش و توانمندسازی و برآوردن نیازهای عملی | - تحقق و برآوردن نیازهای فرهنگی و زیبایی‌شناختی |
| مخاطبان | - فعالیت‌های فرهنگی و اخلاق به عنوان سازوکارهایی برای آموزش غیررسمی، ارتباط سردمی و مشارکت در فرایندهای توسعه اجتماعات محلی، جوانان، | فعالیت‌های فرهنگی و اخلاق به عنوان ابزار بیان فردی و جسمی مخاطبین هنرها، بازدیدکنندگان، |

| | | |
|---|---|--|
| <p>مصرف‌کنندگان و خریداران</p> <p>- نهادهای مدنی و دولتی و بخش خصوصی فعال در امر فرهنگ، توسعه اقتصادی، اشتغال، تجارت، گردشگری و اوقات فراغت</p> | <p>کسردکان، زنان، اقلیت‌ها و گروه‌های اجتماعی محروم</p> <p>- نهادهای دولتی و مدنی فعال در امر توسعه، تغییر اجتماعی، خدمات اجتماعی، حاکمیت، بهداشت و توسعه اقتصادی</p> | <p>- مشارکت نهادی</p> |
| <p>سیاست‌های فرهنگی، سیاست‌های اقتصادی، حقوق مالکیت فکری، بازارهای فرهنگی، بخش خصوصی</p> | <p>سیاست‌های توسعه، نظام‌های خدمات اجتماعی، اسناد حقوق بشر، حکم‌رایی و نظام دموکراسی</p> | <p>- ساختارهای حمایتی</p> |
| <p>هنرمندان، پدیدآورندگان و مدیران فرهنگی</p> <p>آموزش کارشناسان نهادهای فرهنگی، تبادل تجربیات و تحلیل تطبیقی اشکال هنری و مخاطبان</p> | <p>کارشناسان توسعه، فعالان امور اجتماعی</p> <p>کارشناسان فرهنگی</p> <p>آموزش کارشناسان در امر توسعه، تحلیلی تطبیقی روش‌ها و رویه‌ها، ارزیابی اثرات در گروه‌های مورد نظر</p> | <p>کارگزاران</p> <p>توسعه تخصصی‌ها</p> |

منابع

- 1- Intergovernmental conference on Institutional, Administrative and Financial of cultural policies, venice Unesco, 1970 (Final Report).
- 2- Intergovernmental conference on cultural policies in Asia, yogyakasta, Indonesia Unesco, 1973 (Final Report).
- 3- Intergovernmental conference on cultural policies in Africa, Accra, Unesco, 1975 (Final Report).
- 4- World Conference on cultural policeis, Mexico city, Unesco 1982, (Firal Report).
- 5- Intergovernmental conference on cultural Polices for Development, Unesco, 1998 (Final Report).
- 6- گزارش کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه "شرح خلاق ما"، انتشارات یونسکو، ۱۹۹۵، ترجمه فارسی انتشارات، کمیسیون ملی یونسکو، ایران.
- 7- اولین گزارش جهانی فرهنگ "فرهنگ، خلاقیت و بازارها"، یونسکو، ۱۹۹۸، برگردان فارسی، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو
- 8- World cultural Report, 2000, cultural diversity, conphict and pluralism.
- 9- گزاریه دوبرتی، فرهنگ و توسعه: از پذیرش تا ارزیابی، یونسکو، ۱۹۹۱، ترجمه فارسی، انتشارات کمیسیون یونسکو، ایران، ۱۳۷۴.
- 10- Afusin Girard. cultural Development: experiences, and policies, 2nd, paris, unesco, 1983.